

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ک. پیکار پامیر

۱۹۰۵۱۰

پیامد سفر اخیر کرزی به امریکا چه خواهد بود!؟

حامد کرزی در هفته رفته، رهسپار ایالات متحده امریکا شد و مطبوعات هر دو کشور (افغانستان و امریکا) تحلیل ها و تبصره های سیاسی مختلفی در ارتباط با آن به نشر رسانیدند. بعضی افراد و منابع تحلیلگر و رسانه ئی، سفر کرزی به واشنگتن را یک موفقیت دیپلماتیک برای وی و رژیمش دانستند، در حالیکه افراد و منابع دیگر، آنرا به سود جانب امریکا و به خصوص به نفع موقت و موقعیت اوباما نزد افکار عامه آن کشور و رقبای حزبی و سیاسی وی خواندند.

در عین حال، تحلیلگران دیگری هم، چه در داخل و چه در خارج از افغانستان بودند و هستند که هیچگونه باور و اعتقادی مبنی بر مفیدیت و یا موثریت این سفر در راه بهبودی اوضاع نا به سامان افغانستان نداشته و ندارند. به هر حال، این شتافتن های گاه و بیگاه کرزی و اراکین دولتش به کاخ سفید، از دیدگاه عناصر وطنپرست، آزاده و ضد استعماری میهن ما، با شتافتن ها و دویدن های رهبران حکومت دست نشاندۀ کودتای ثور به مسکو، وجه تشابه فراوان دارد. در دهه هشتاد و نود قرن رفته، رهبران رژیم کودتا عمده در دو حالت به سوی کرملین می شتافتند: یا به خاطر تقدیم نیازها و عرایض نوکر منشانه خودشان به حضور رهبران کرملین و یا به اساس استحضاری که از سوی ارباب روسی شان صورت میگرفت.

سفر اخیر حامد کرزی به واشنگتن نیز اگر به میل خودش صورت نگرفته باشد، حتماً به اساس فرمان ارباب امریکائی اش صورت پذیرفته است. هم میهنان ما سفر های متعدد کرزی به ایالات متحده ظرف ده سال اخیر را به یاد دارند که در هر بار عکس و فلم و خبری در رسانه ها به نشر رسیده و لیخند های ظاهر سازانه دیپلماتیک بر لب ها نقش بسته و اما، کسی هرگز نفهمیده که در عقب دروازه های بسته و نشست های خصوصی چه حرفهائی رد و بدل شده و چه تعهدات و معامله هائی صورت گرفته است؟ آنچه برای مردم افغانستان قابل فهم و درک است اینست که چنین مسافرتها هرگز نمیتواند چیزی را به نفع اکثریت محروم این سرزمین تغییر دهد.

دو سفر قبلی کرزی به واشنگتن که در زمان جورج دبلیو بوش انجام داده شد، بی قدری و بی اختیاری او را پیش مردم افغانستان و جهان به اثبات رسانید. در یکی از این سفرها، کرزی با طمطراق در کابل گفته بود که به واشنگتن

میرود تا به آقای بوش بگوید از خود سربهای سربازانش و کشتار بیگناهان افغان جلوگیری نماید، ولی دیده شد که با دست خالی و روحیه شکسته به وطن باز گشت و اندکترین اعتنائی به حرفش صورت نگرفت. در یکی از مسافرت های دیگر وی، گروهی از سناتوران امریکائی، او را چون متهمی در برابر خویش نشانند و مورد استجواب آمرانه قرارش دادند.

حال که امریکائی ها این رئیس جمهور دست نشانده شان را بار دیگر در واشنگتن حاضر ساخته اند، این سؤال مطرح میشود که اصلاً چه منظور و مقصدی در میان خواهد بود؟ جان مطلب هم در همین سؤال نهفته است. آنچه روشن است اینست که سفر کرزی و برخی از اعضای کابینه وی در حالی صورت میگیرد که از یکطرف جانب امریکا به اساس ستراتیژی طرح شده اخیر او با ما میخوابد با استفاده از نیرو های تازه نفس خویش در افغانستان، ظاهراً "ماشین جنگی" طالبان را در هم بشکند، چنانکه درین مورد تبلیغات دامنه داری هم صورت گرفته و این اقدام جدید امریکا از "مارجه" در هلمند آغاز یافته و در نظر است این یورش به اصطلاح ماشین شکنانه نظامی تا ولایت قندهار گسترش داده شود. از جانب دیگر، کرزی و تیم کاری وی با الهام از برنامه خاص انگلیس ها و پاکستانی ها و در جهت توافق با آنها، تلاش دارد راه را برای سازش با گروه طالبان هموار ساخته آنها را از طریق "مذاکره" و "مفاهمه" در حاکمیت دولتی سهیم سازد. چنانکه کنفرانس لندن در ماه های گذشته که مبتکر آن گردون براون صدراعظم انگلستان بود، دقیقاً به همین منظور تدویر یافت.

به اساس دستورات کنفرانس متذکره، کرزی اخیراً کمپاین جدیدی را مبنی بر تدویر به اصطلاح جرگه صلح به راه انداخته و روی این برنامه، کار و فعالیت جدی صورت ادامه دارد. پس یکی از مسایل و مقاصد مربوط به این سفر، بحث، تصمیم یا رسیدن به توافق روی این طرح خواهد بود. میتوان گفت که آغاز حملات نیرو های مشترک افغانی و امریکائی علیه پایگاه های تروریستی گروه طالبان در قندهار هم دقیقاً به همین منظور ملتوی مانده و تصمیم نهائی، پس از همین گفت و شنید های محرمانه اخیر در واشنگتن صورت خواهد گرفت. هرگاه امریکا با طرح مذاکره با طالبان، تدویر "جرگه صلح" و برگشت طالبان به حاکمیت توافق کند، مسلماً به خاطر آن خواهد بود تا اشغال تمام و کمال افغانستان و استقرار حاکمیت دایمی امریکا در این کشور و منطقه، بدون تحمل مصارف گزاف جنگی و تلفات عظیم انسانی و بدون سرنوشتی کامل در باتلاق شکست و رسوائی امکان پذیر گردد.

کرزی با آنکه دست نشانده مستقیم امریکاست، باز هم موضع گیری هایش به خاطر جاذبه قومی - زبانی با گروه طالبان، ملاحظات قدرت طلبانه و فشار های منطقه ای، به خصوص از سوی ایران و پاکستان، و زنه تمایلش به سوی انگلیسها را بیشتر ساخته است. روی همین دلایل است که وی همیشه در یک رابطه نوسانی یا گاهی تنش آمیز با واشنگتن قرار میگیرد. یا به عبارت دیگر، اثرات جنگهای زرگری امریکا و انگلیس بر سر تقسیم منافع و حاکمیت سیاسی - اقتصادی در افغانستان، (به ویژه در جنوب و جنوب غرب افغانستان)، غالباً در حرکات، اظهارات و دیپلماسی کرزی متبلور میگردد. لهذا، دیپلماسی رعایت جویانه یا آشتی جویانه اخیر امریکا در برابر ژست های تبلیغاتی کرزی هم از همین حالت خاص ناشی میشود.

بخش دیگر موضوع، حضور تعداد زیاد وزرای کرزی در این سفر میباشد. ظاهر قضیه چنین مینماید که این وزراء برای مذاکره و چانه زنی و تلاش غرض جلب مساعدتهای مالی، فنی و عمرانی برای افغانستان، با مقامات امریکائی آمده اند، ولی واقعیت چنین چیزی نخواهد بود. بروفق واقعیت های موجود، وزرای کرزی هر یک مجبور خواهند بود اطاعت و تعهدات شان را در برابر مقامات امریکائی رسماً تجدید نمایند و از سوی دیگر باید در برابر وزراء و سناتوران آن کشور همانند حاکم و محکوم راجع به دخل و خرچ ملیونها دالر تادیبه شده جواب ارائه دارند.

وزرای موجوده کرزی در حقیقت امر، این درایت، لیاقت و استقلال را ندارند تا اقلماً مانند وزرای حکومت پاکستان، از یک موضع جدی ترو مستقلانه تر در برابر مقامات امریکائی برخورد نموده آنها را به سود کشورشان متقاعد سازند. علاوه، این وزراء، نه دلسوزی لازم و احساس مسؤلیت در قبال منافع ملی و خواستهای مردم ما دارند و نه قدرت بحث و استدلال شجاعانه غرض قانع ساختن جانب مقابل به خاطر استفاده به موقع از فرصت هارا در خود می بینند. بنابراین، آنچه باقی می ماند، بلی گوئی، تجدید عهد و وفا و پذیرش دستور و فرمایش امریکائی ها خواهد بود و بس.

پیرامون اوضاع و احوال دردناک، پیچیده و آسفبار کشور عزیز ما افغانستان باید گفت که هیچ سفر، هیچ جلسه و هیچ وعده و وعیدی تا واقعاً انسانی، عاطفی، منصفانه و شفاف نباشد و تا زمانی که صاحبان اصلی این سرزمین که اکثریت باشند های افغانستان را تشکیل میدهند در پروسه تعیین سرنوشت شان سهم مستقیم نداشته باشند، هرگز نخواهد توانست امنیت، عدالت و آرامش در این خطه ملتهب را تضمین نماید و بنابراین، مسافرت اخیر آقای کرزی به امریکا نیز هرگز نمیتواند دردی از درد های جانسوز مردم افغانستان را مداوا کند.

در مورد جرگه صلح کرزی، ماهیت و نتایج احتمالی آن در آینده صحبت خواهیم نمود. (پایان)